



## مسئولیت روحانی

نحوه تعامل اصلاح طلبان و حسن روحانی برای چیدمان ترکیب کابینه دولت دوازدهم این روزها محل بحث و حیات زنی‌های فراوانی است. عباس عبدی روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب برای روحانی در این شرایط مسئولیت‌ها و وظایفی را بر می‌شرد: آقای روحانی باید بداند ما همان‌طور که از اصلاحات و دیدگاه‌های درست حمایت می‌کنیم و در مقایسه با دیگران او مصداقش بوده است در ادامه نیز همین خواهد بود. هیچ دلیلی ندارد که از یک فرد با هر رفتاری حمایت شود. این نگاه که کسی که فرد دیگری را حمایت کرده بده بستانی بین‌شان وجود دارد نگاه نادرستی است و مخالف خط مشی اصلاحات است.

تحلیل عباس عبدی از چیدمان کابینه و انتخاب شهردار تهران در گفت‌وگو با «اعتماد»:

## روحانی مدیون کسی نیست

رییس‌جمهور در چینش کابینه دیگران را هم به بازی بگیرد



سیاست‌پزیران / اعتماد

عمومی و سیاست باید پیگیری کنند. وقتی که عرصه عمومی را بازسازی کرده و فعال باشنید، سیاستمداران مجبور می‌شوند با آن راه بیایند. نگاه به دولت و اینکه فلان شخص باشد و فلان شخص دیگر نباشد به نظر من مخل اهداف اصلاح‌طلبانه است. البته به این معنی نیست که آقای رییس‌جمهور هر کسی را انتخاب کند. طبیعی است که اصلاح‌طلبان می‌توانند هر زمان که خواستند مخالفت کنند. این نوع نگاه‌ها را باید کنار گذاشت و نگاه سازنده‌تری به حوزه سیاست داشت.

**عملکرد شورای شهر و شهرداری تهران تا چه اندازه در افزایش محبوبیت اجتماعی گفتمان اصلاح‌طلبی یا مغضوبیت آن تاثیر و اهمیت دارد؟**

به هر حال شهرداری‌های کلانشهرها به ویژه تهران جایگاه بسیار مهمی است و به شکلی می‌توان گفت سطح اداره هر شهری به ویژه تهران به مراتب از سطح یک وزارخانه مهم یا حتی چند وزارخانه بالاتر است و در استان‌ها هم از چند اداره کل بالاتر است. در نتیجه هر نیروی سیاسی باید سعی کند بهترین کارایی خود را در حوزه مدیریت شهری و شهرداری نشان دهد؛ ضمن اینکه مساله شهر فقط یک کار اجرایی نیست؛ یک زندگی مدنی هم هست. ممکن است وزارت خارجه کارهایی را انجام دهد که برای یاد باشد و مستقیم درکی از آن نداشته باشیم ولی ما در شهر زندگی می‌کنیم. مساله زندگی در شهر، ارتباطات و تغییراتی که از طریق شهر می‌توان در محیط اجتماعی و روابط داد بسیار اهمیت دارد. هر نیروی سیاسی باید به این مساله توجه کند.

**مهم‌ترین آفت‌ها و تهدیدات شورای شهر آینده از نگاه شما چیست؟**

آفت‌هایی که شورای شهر را تهدید می‌کند این است که وارد دعوها و مسائلی بشوند که اهمیت درجه اول را در مدیریت شهری نداشته باشند. موضوع دیگر این است که بحث فساد و مشکلات مربوط به آن را نادیده بگیرند و همین‌طور بخواهند که وضع موجود ادامه پیدا کند. اصلاح‌حاستی که در شهرداری تهران به خصوص از حیث منابع درآمدی باید انجام شود بسیار مهم و پر در دسرس خواهد بود بنابراین شورای شهر اگر به شکل مجموعه‌ای عمل کند که مساله‌شان به معنای واقعی کلمه شهر باشد و سعی کنند از اختلافات جزئی پرهیز کنند می‌تواند موفق باشد؛ چه چندی هم که در رسیدن به یک شهر مطلوب راه زیادی در پیش باشد.

**شهردار تهران چه شاخص‌ها و مولفه‌هایی باید داشته باشد؟**

شهردار تهران اهمیتی بیشتر از چند وزیر دارد. بنابراین در درجه اول باید به شکلی معرف و نماد مردم شهر باشد. این حیث شهردار تهران یک پست سیاسی است و فقط از یک پست اجرایی نیست بلکه یک سمت مدیریتی، اجرایی و سیاسی است که می‌تواند معاونان اجرایی متعدد و متنوعی داشته باشد. نمی‌توان مسوولیت‌های شهردار را به برنام‌های اجرایی مدیریتی محض تقلیل داد. به خصوص در کلانشهرها و به ویژه تهران این موضوع صدق می‌کند.

● انتظار عمومی این است کسانی به عنوان وزیر معرفی شوند که بتوانند حامیان و مجریان امینی برای این نگرش باشند. این‌جا به بعد مساله فرعی است.

● ما اساساً برای حمایت از آقای روحانی در انتخابات نامیدیم که حالا انتظار داشته باشیم که چیزی به جایش بدهد. این نگاه ما مخل سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبانه است.

● به طور قطع فقدان تعامل فاصله ایجاد می‌کند نه فقط با اصلاح‌طلبان بلکه با هر نیروی دیگر. حتی اگر به لحاظ محتوایی هم نزدیک باشند هنگامی که تعامل و گفت‌وگو نباشد به هم بد بین می‌شوند. تردیدی نیست که چنین اتفاقی خواهد افتاد. رکن سیاست مشارکت و گفت‌وگو است چه با دوست، چه با دشمن و چه با هر کس دیگری.

**آقای جهانگیری به عنوان معاون اول در دولت حضور دارد. آیا او می‌تواند مطالبات اصلاح‌طلبان را نمایندگی و پیگیری کند؟**

آقای جهانگیری به طور قطع می‌تواند چنین چیزی را دنبال کند. افراد دیگری هم هستند. این نوع تمایزگذاری‌ها درست نیست. مطالبات اصلاح‌طلبان را باید در عرصه

**طرفینی است؟**

این نگرانی تا حدی طبیعی است چرا که ممکن است طرفین ارتباط کافی و نزدیک نداشته باشند یا دیدگاه‌های‌شان را بنا بر ملاحظاتی به طور دقیق به هم منتقل نکنند. طرفین محدودیت‌ها و معذورات خاصی خود را دارند. آنچه مساله اساسی است، این است که دولت و آقای روحانی متکی بر نگرشی پیروز شدند و خودشان هم بر این موضوع تاکید کردند. اجزای آن نگرش فارغ از اینکه کدام جناح سیاسی آن را دنبال می‌کند، طبیعی است که حامیان و مجریان امینی برای این نگرش باشند. از اینجا به بعد مساله فرعی است. نکته مهم‌تر نیز در این تعامل وجود دارد. ممکن است آقای رییس‌جمهور در ذهنش باشد که آقای الف‌فرد بسیار خوبی برای معرفی شدن به عنوان وزیر باشد اما به نظر بنده بهتر است که این نتیجه را از مشاورت با دیگران استخراج کنند. دیگران هم حس کنند که حضور دارند و در بازی شرکت داده شده‌اند. وقتی گفته می‌شود «دیگران» فقط منظور اصلاح‌طلبان نیستند بلکه هر کس دیگری هم می‌تواند باشد. بنیاد سیاست مبتنی بر مشارکت است. هر سیاستمداری که مشارکت و گفت‌وگو را نادیده بگیرد بهترین نیروها را هم که انتخاب کنند دیگران در زمان مناسب خود را از او جدا می‌کنند.

**از میان شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان، فراکسیون امید و چهره‌های مسلط جریان اصلاحات کدام یک را واجد ویژگی‌های لازم و دارای اولویت برای طرف مشورت قرار گرفتن از سوی رییس‌جمهور می‌دانید؟**

بخشی از تعامل مربوط به فراکسیون امید است که بسیار هم اهمیت دارد چون باید به وزیران اعتماد دهد. باید آنها حس کنند که به بازی گرفته شده‌اند و احترام‌شان حفظ شده است و برای نظرات‌شان اهمیت قابل شده‌اند. شورای عالی سیاست‌گذاری فارغ از جزئیات و افراش‌شدن باید طرف گفت‌وگو قرار بگیرند. البته من خیلی آشنایی کامل با موضوع ندارم و خیلی هم فکر نمی‌کنم اهمیتی داشته باشد، چهره‌های مستتب به اصلاحات و احش‌سازان شده و روشن هستند. من معتقدم که با آنها هم باید گفت‌وگو شود. خیلی چهره‌ها و شخصیت‌هایی هستند (از هر دو جناح) که به صفت فردی اهمیت دارند و آقای رییس‌جمهور می‌تواند با آنها هم مشورت کند.

که شورای شهر فعلی نزدیک به این گزینه شود البته اگر شوراصولگر بود که قطعاً به چنین موردی نزدیک نمی‌شد. آیا به صرف اینکه شهردار یک نیروی سیاسی باشد کافی است یا اینکه باید لاجرم آشنایی به مدیریت کلانشهر پیچیده‌ای مثل تهران داشته باشد و دارای سوابقی در این زمینه باشد؟

اگر به دنبال این باشیم که هر کسی که بستی را می‌گیرد همیشه بهترین اطلاعات را در زمینه مشخص خود باید داشته باشد، اشتباه است. این ایده درستی نیست. مثلاً وقتی می‌خواهیم فردی را وزیر بگذاریم، اگر کسی این استدلال را قبول داشته باشد یا باید وزیر فعلی باشد یا دو نفر از معاونان‌شان باشند. افراد دیگری انقدر اطلاعات ندارند که مصداق داشتن این ویژگی شوند. باید سطح وزارخانه را با سطح کارشناسی جدا کرد. در سطح مدیریت نیاز نیست که یک فرد به جزئیات موضوع آگاه بوده و کارشناس باشد. اساساً ممکن است این مساله نامطلوب هم باشد. یک مدیر باید دیدگاهی کلان داشته باشد اما این نکته را باید در نظر بگیرد که همواره از بهترین کارشناس‌ها برای امور کارشناسی‌اش استفاده کند. خودش نباید جای کارشناس بنشیند. اینکه فردی بخواهد شهردار تهران شود، اسم خیابان‌ها را بپاند و تهرانگردی کرده باشد و بداند جمعیتش چقدر است و جزئیاتش چیست، خوب است اما شرط لازم برای شهردار شدن نیست. شهردار باید دیدگاه کلان و نظام مدیریتی قوی داشته باشد. در این صورت به راحتی می‌تواند از بهترین نیروها استفاده کند و شهر را سر و سامان دهد.

**به نظر شما این حرف‌ها که کسی که شهردار می‌شود نباید به فکر ریاست‌جمهوری باشد حرف منطقی و درستی است یا خیر؟**

نمی‌خواهم بگویم که کسی که شهردار می‌شود حق ندارد به فکر ریاست‌جمهوری باشد. در واقع بحث اصلی این نیست اتفاقاً هیچ ایرادی ندارد که یک نفر در شهرداری خوب کار کند و بعد نامزد ریاست‌جمهوری هم بشود. مشکل ما از اینجا شروع می‌شود که شهردار یا گروگان نامزدی ریاست‌جمهوری‌شان می‌کنند. مصالح کوتاه‌مدتی برای خود در نظر می‌گیرند و به جای مصالح بلندمدت شهر قالب می‌کنند. ایرادی ندارد که کسی بخواهد رییس‌جمهور بشود. چه جایی از این بهتر که در شهر خوب کار کند و بعد آن را به عنوان تجربه خود ارایه کند. در اروپا هم این موضوع را داشته‌ایم. واک شیراک مدت زیادی شهردار پاریس بود و سپس جمهور شد. مساله اصلی این است که شهردار به گروگان برنامه‌های نامزدی او در نیاید. در ایران به دلیل اینکه نهادهای نظارتی از جمله شورای شهر قوی نیستند، ترجیح دارد که فردی که می‌خواهد شهردار شود از ابتدا دور ریاست‌جمهوری را خط بند تا نشان دهد که آمادگی این را دارد. که به شهر خدمت کند و نه به برنامه انتخاباتی خود. در غیر این صورت اگر بخواهد می‌تواند شهر را گروگان انتخابات ریاست‌جمهوری کند اما وقتی که خود را به این شکل از خواست رییس‌جمهور شدن منفک کند در واقع

تفافی خواهد افتاد.

● هیچ ایرادی ندارد که یک نفر در شهردار خوب کار کند و بعد نامزد ریاست‌جمهوری هم بشود. مشکل ما از اینجا شروع می‌شود که شهردار گروگان نامزدی ریاست‌جمهوری‌شان می‌کنند.

● شهردار تهران اهمیتی بیشتر از چند وزیر دارد. بنابراین در درجه اول باید به شکلی معرف و نماد مردم شهر باشد. از این حیث شهردار تهران یک پست سیاسی است و فقط یک پست اجرایی نیست بلکه یک سمت مدیریتی، اجرایی و سیاسی است که می‌تواند معاونان اجرایی متعدد متنوعی داشته باشد.

نشان می‌دهد که حداقل در این مورد چنین قصدی ندارد. نوع ارتباط شورای شهر تهران با توجه به یکبار چه اصلاح‌طلب بودن با شهردار باید چطور باشد؟

خیلی این را حسن نمی‌دانم که شورای شهر تماماً بگذرد شده باشد. این هیچگاه به نفع هیچ کس نخواهد بود. مساله اصلی این است که شورای شهر بتواند یک نظارت قانونی و موثر داشته باشد و اعضای آن اسیر امکانات شهرداری نشوند. اختیاری راحتم ممکن است شهردار، معاونان و سازمان‌های شهری، شورای شهر را متغزل کنند و مسیر خود را ببرند. همان‌طور که در گذشته این امر را مشاهده کرده‌ایم، با وجود اینکه مهم‌ترین تصمیم‌شورای شهر انتخاب شهردار است، نباید به نحوی عمل کند که انتخاب شهردار تصمیمات و سیاست‌های بعدی شورای شهر را بلاموضوع کند. شورای شهر در مقابل شهردار نباید متغزل شود.

## ارتباط سازمان یافته با دولت دوازدهم

باشد. در این صورت انرژی‌ها به سمت هم‌افزایی می‌رود.
نظارت ارتباطی دیگر با دولت می‌تواند فراکسیون امید که هم از تباط تعریف شده‌ای را می‌تواند برقرار کند.
اصلاح‌طلبان مجلس شورای اسلامی وظایفی را در قبال دولت دارند. اصلاح‌طلبان مجلس شورای اسلامی با توجه به تعداد افرادی که دارند، می‌توانند یکی از پایگاه‌های حمایتی دولت در مجلس باشند. همکاری دولت و مجلس در حل مشکلات و معضلات کشور امری ضروری و لازم است. از این جهت که اصلاح‌طلبان توانسته‌اند فراکسیون قدرتمندی را در مجلس تشکیل دهند باید به افزایش ارتباط با دولت بپردازند. در یک سال گذشته نیز فراکسیون امید تا حدی توانست تعامل سازنده‌ای را با دولت شکل دهد. فراکسیون امید از دولت دفاع و پشتیبانی کرده و کارشناسی در اقدامات رییس‌جمهور نکرده است. بنابراین ارتباط دولت و اصلاح‌طلبان از طریق این دو تشکیلات می‌تواند به پیش برود. این دو سازمان سیاسی می‌توانند در مجموع ارتباط خوبی را با دولت شکل دهند. این ارتباط باید هدف و راه‌شخصی داشته باشد. کمک و همکاری با دولت در گام‌های مثبت و تحقق شعارها و هم‌مشورت دادن به دولت و انتقاد برای بهبود عملکردش از جمله اهدافی است که این تعامل و ارتباط باید داشته باشد. به شکل تعریف شده‌ای می‌توان این

**دربوش قنبری**  
فصل سیاسی اصلاح‌طلب  
امروز بیش از هر زمانی ضرورت ارتباط و تعامل اصلاح‌طلبان و دولت احساس می‌شود. دولت دوازدهم برآمده از رای پایگاه اجتماعی جریان اصلاحات است. شعارهای دولت در ایام انتخابات حاوی نگرشی نزدیک به این جریان سیاسی بود. از این رو این همدلی و هم‌فکری در این دو طیف باید تقویت شود. جریان اصلاحات باید ارتباطش را با دولت محکم‌تر و سازمان‌یافته‌تر کند. در جریان اصلاحات بهترین نهاد و تشکیلاتی که الان می‌تواند این ارتباط را به شکل تشکیلاتی برقرار کند، شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان است.

این شورا مهم‌ترین و گسترده‌ترین تشکیلاتی است که اصلاح‌طلبان را نمایندگی می‌کند و همه طیف‌های اصلاح‌طلب را در بر می‌گیرد. بنابراین فراگویی این تشکیلات می‌تواند در ایجاد ارتباطی سازنده و همکاری بین دولت و اصلاح‌طلبان موثر باشد. اگر هر یک از تشکیلاتی متعدد جریان اصلاحات بخواهند تکتک با دولت ارتباط برقرار کنند، وقت و انرژی آقای روحانی گرفته می‌شود. در این صورت وحدت رویه‌ای رانیز شاهد نخواهیم بود. به همین دلیل است که ارتباط و سازماندهی باید برنام‌ریز شده و نظارت‌مند

**افزایش همبستگی ملی، نتیجه تعامل با دولت**

این نقش انتقال نظرات و مشورت‌ها را ایفا کند. طبیعتاً فراکسیون امید هم می‌تواند موثر باشد. اینگونه نیست که اصلاح‌طلبان خود را محدود و منحصر به یک کانال ارتباطی کنند. برخی نظرات و پیشنهادات نیز به دلیل شرایط زمانی باید به موقع منتقل شود، از این جهت شخصیت‌ها و احزاب اصلاح‌طلب نیز می‌توانند از ظرفیت‌های‌شان استفاده کنند. همه این مشورت‌ها باید هم‌راستا با هم باشند و یک توان هم‌افزایی برای انتقال نظرات ایجاد شود. فراکسیون امید هم در شورای عالی نماینده دارد و حلقه وصل این دو خود اداره عارف است. مجموعه فراکسیون امید و شورای عالی فاصله‌ای با هم ندارند و این شورا می‌تواند ارتباطش را کاملاً حفظ کند. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد هدف این تعامل است. آنچه امروز به عنوان تعامل میان اصلاح‌طلبان و دولت نامیده می‌شود هدفش تأمین بهتر منافع ملی و کمک به دولت است تا مسائل و مشکلاتی که کشور با آن روبرو است بهتر حل شود. دولت به ویژه باید این بستر و زمینه را فراهم کند و به استقبال تعامل با عقبه سیاسی حامیان خود بود. دولت نه تنها برای اصلاح‌طلبان بلکه برای سایر نخبگان و شایستگان باید فضایی فراهم کند که آنها نیز بتوانند نقطه نظرات خود را منتقل کنند. اگر این اتفاق رخ دهد همه افراد و گروه‌ها احساس موثر بودن خواهند داشت. درست است که بقیه هم مسوولند و باید پیشنهادات

## حسین کاشفی

عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت

در انتخابات ریاست‌جمهوری که بر گزار شد اصلاح‌طلبان همان‌طور که از قبل گفته بودند موثری ایفا کردند، چرا که برای‌شان آینده کشور و حل مشکلات و مسائل اساسی ایران مطرح بود و به منافع ملی توجه کردند. همه اصلاح‌طلبان از شخصیت‌های ملی مانند آقای خامنه‌ای نهادهایی نظیر شورای عالی سیاست‌گذاری، فراکسیون امید، احزاب و سایر شخصیت‌ها با تمام ظرفیت خود وارد میدان شدند.

پیشرفت و توسعه کشور دغدغه اصلی اصلاح‌طلبان است و به همین دلیل آنها بدون هیچ شرط و شروطی وارد انتخابات شدند. این ارتباط موثر با دولت در دادن پیشنهاد باید حفظ شود. دولت کارش را انجام می‌دهد و خوب است که در همه زمینه‌ها کمک شود تا عملکرد دولت هم بهبود یابد. این کمک می‌تواند مشورتی، انتقادی یا عملیاتی باشد. بعضی از مشورت‌ها از طریق سازمان یافته نظیر شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان منتقل می‌شود. این شورا نقش موثری در انتخابات مجلس، شوراهای ریاست‌جمهوری داشته است. بنابراین شورا عالی سیاست‌گذاری یکی می‌شکل است که می‌تواند